

گفت‌وگو با کاوه یغمایی، خواننده‌ای که بعد از ۹ سال مجوز گرفت

ارتباط هنرمندو مردم را نمی‌توان قطع کرد

امیر بهاری . سیامک قلی‌زاده

کاوه یغمایی شاید به‌نوعی ادامه‌دهنده راه پدرش در موسیقی باشد اما هیچ‌گاه زیر چتر نام «کوروش» قرار نگرفت. کار خودش را کرده و اهل کوتاه‌مدن و گذشتن از حتش هم نبوده و نیست؛ که اگر بود شاید حالا در آستانه ۵۰سالگی بیشتر از سه آلبوم داشت. برای نسل جوانی که اواسط دهه ۷۰ در ایران که با موسیقی راک آشنا شده بودند و شاید حتی گیتار الکتریک را از نزدیک هم ندیده بودند. کاوه یغمایی نماد راک بود. کنسرت‌های کاوه و گروهش همیشه برطرفدار بوده و فرقی نمی‌کرد فرهنگ‌سرای بهمن باشد یا سالن میلاد نمایشگاه. کاوه بدون اینکه بخواهد نمادی از راک فارسی شد، اما همیشه دغدغه‌اش موسیقی بوده که در بین عموم مردم نفوذ کند و حتی مخاطب فراگیر اما خاموش را بیدار کند. در تمام این سال‌ها از ایجاد سوو-تفاهم دوری کرده و کمتر در رابطه با آثارش اظهارنظر کرده است و ترجیح می‌دهد این کار را به منتقدان واگذارد کند. حالا با چنین روندی از معدود موزیسن‌هایی است که هم وجه آرتیستی خود را حفظ کرده و هم توانسته مخاطب گسترده داشته باشد. او پس از آلبوم «مترسک» موقعیت خوبی برای کار در ایران داشت اما ترجیح داد ریسک کند و کار در شرایطی جدید و دشوار اما حرفه‌ای را تجربه کند. حاصل این تجربه‌ها در کانادا و مدت‌ها سکوت ناخوaste. تبدیل به آلبومی به نام «منشور» منتشر شده که در آن همکاری‌هایی با اعضای گروه «نیکل بک» هم داشته است. همچنین قرار است حدود یک ماه پس از انتشار آلبوم، روزهای ۹ و ۱۰ شهریور روی استیج برود تا منتخبی از سه آلبومش را اجرا کند. به همین بهانه به محل تمرین کاوه یغمایی و گروهش رفیقم تا زوایای مختلف این آلبوم و کنسرتی که ۹ و ۱۰ شهریور برگزار می‌شود را از زبان خودش بشنویم.

۷ چه روندی طی شد تا آلبوم منشور به دست مخاطباتان برسد و اگر مشکلاتی در داخل کشور وجود داشت، چگونه این مشکلات برطرف شد؟ خوشحال می‌شدم اگر این سؤال از سوی یکی از مسئولان فرهنگی کشور در ۱۵ سال گذشته صورت می‌گرفت که متأسفانه چنین نشد. شاید جواب این سؤال و دلایلی که توضیح خواهم داد، فقط مشکلات من نباشد و توضیحاتی را که برای مردم عزیزم خواهم داد، امیدوارم به گوش مسئولان فرهنگی کشورم برسد تا شاهد وقوع اتفاقاتی این‌چنین در آینده برای هنرمندان کشورمان نباشیم. هنگام خروج از ایران نه مشکل اقتصادی داشتم، نه ممنوع‌الکار بودم و نه پیشنهاد کار در خارج از کشور به من داده شده بود و البته هم‌اکنون هم به خواست خود در کشورم هستم. قبل از هر چیز، لازم می‌دانم شرایط فرهنگی و به‌ویژه موسیقی آن زمان را کمی تشریح کنم؛ چون تصور می‌کنم اگر کسی در زمان خروج من از ایران به دنیا آمده باشد، در حال‌حاضر حداقل ۱۵ سال دارد و شاید هیچ شناختی نسبت به وضعیت فرهنگی (موسیقی) در آن دوران نداشته باشد.

در آن سال‌ها به‌تازگی اجازه خواندن خوانندگان مرد صادر شده بود، گرچه امروز شاهد چرخش محسوسی در نگاه مدیران شرکت‌های موسیقی پس از ۱۵ سال هستم، اما در آن زمان به‌سختی امکان داشت خواننده‌ای موسیقی مدرن یا پاپ را برای ادامه حیات هنری خود انتخاب کند و مطمئن باشد از هفت‌خان رستم اعم از ممیزی و دیدگاه‌های کاسب‌کارانه شرکت‌های موسیقی محدود آن زمان گذر خواهد کرد. برای مثال، یکی از ارزش‌ها از دیدگاه همین شرکت‌ها، نزدیک‌بودن هرچه بیشتر صدای خواننده به خوانندگان قبل از انقلاب بود و این دیدگاه با اینکه در آن دوران پول خوبی برای شرکت‌های مذکور ساخت، اما پس از یک دهه به‌شدت میان مردم اشباع شد و جای خود را به نسل جدیدی از خواننده‌ها داد. قصد من در اینجا به هیچ‌وجه بی‌احترامی به هنرمندان آن دوره نیست، بلکه ناگزیر به عنوان یک موزیسین وظیفه خود می‌دانم مشکلات و ضعف مدیریت صنعت موسیقی مدرن ایران را پس از دو دهه سکون، بیان کنم. دوران جنگ را سیری کرده بودیم و در چنین شرایطی به همان اندازه که هنر اهمیت و اعتبار خود را به طور طبیعی از دست می‌داد، موارد اولیه زندگی اولویت‌های بیشتری برای همگان پیدا می‌کرد و همین‌طور هنرمندان، عرصه اجتماعی و سیاسی از پر خود نتکرمی می‌دیدند. مشک‌باران شهرها و... مشکلاتی بودند که پس از اتمام جنگ چشم‌اندازی امیدبخش فراروی هنرمندان پدیدار می‌کرد.

اما متأسفانه تصمیم‌های اصلی و کلیدی در مدیریت موسیقی پس از جنگ نه به‌وسیله هنرمندان، بلکه به‌وسیله اشخاصی دلال و سودجو در شرکت‌های محدود موسیقی رقم می‌خورد. البته از آن نکته نباید غافل شد که تصمیم‌های متغیر و عجیب وزارت ارشاد در آن دوران گاهی آبی در آسپاب همین شرکت‌های به‌اصطلاح فرهنگی نیز بود. برای مثال، صدور مجوز پخش آثار هنری بی‌کلام موسیقی‌دانان غیرایرانی، بدون در نظرگرفتن حق کپی‌رایت خالق اثر برای شرکت‌های موسیقی ایرانی؛ این اتفاقات عملاً موسیقی‌دانان مدرن ایرانی را به پایین‌ترین جایگاه خود از نظر اولویت برنامه‌ریزی فرهنگی از دیدگاه دولت در آن دوران سخت تبدیل می‌کرد. شرکت‌های موسیقی به‌راحتی کارهای موسیقی بدون کلام تولید داخلی را که به دلیل محدودیت گذشته برای آثار با کلام به‌طور اتفاقی، کمی جان تازه گرفته بودند، بی‌ارزش می‌خواندند و به‌صراحت اعتقاد داشتند: «چون این کارها دیگر فروشی ندارند، بی‌ارزش و فاقد هرگونه اعتبار اقتصادی هستند بنابراین از پخش این کارها معذوریم».

به خاطر دارم مدیرعاملی از مدیران همین شرکت‌های فرهنگی درهمین‌باره روزی به من تأکید کرد: به جای اینکه آهنگ تو را بخرم، می‌روم یک سی‌دی از تو می‌خرم! این حرف و آن را تکثیر می‌کنم. هم فروش بیشتری دارد و هم هزینه کمتری در حد خرید یک سی‌دی برای من و با یوزخندی به جای جلوی من اشاره کرد و گفت: بفرمایید چایتان سرد نشود!

مشکلات اقتصادی همکاران موزیسین من به‌ویژه آنهایی که تا آن زمان یا به‌صورت مستقل کنسرت‌های بدون کلام برگزار می‌کردند، یا از راه تدریس به زندگی خود ادامه می‌دادند، هرچه بیشتر خود را نمایان می‌کرد. تا جایی‌که آنها با یاد تصمیم می‌گرفتند به‌عنوان یک نوازنده در اختیار اگرکستر یک خواننده قرار گیرند و از این طریق به‌طور ماهانه حقوقی بگیرند یا با ریسک کمبود درآمد، خود و خانواده خود را به خطر می‌انداختند. در آن زمان این اتفاقات در اطراف به‌شدت ناگوار و ناامیدکننده بود، اما هیچ‌وقت دلیل محکمی برای خروج من از ایران نبود.

۷ پس دقیقاً چرا ایران را ترک کردید؟

بعضی از مشکلاتی که من را به سمت مهاجرت طولانی سوق داد، سؤالاتی بود که هیچ‌گاه برای آنها جوابی پیدا نمی‌کردم. از کودکی فقر دانش موسیقی مدرن در ایران و مشکلات پیرامون صنعت منهدم موسیقی من را آزار می‌داد. این مشکلات از نگاه مسئولان وقت فرهنگی آن زمان یا دیده نمی‌شد یا اگر هم به فرض محال احساس می‌شد، به دلیل جاافتادن نادرست مسئله تهاجم فرهنگی علیه هنرمندانی مثل من، به‌سادگی از نگاه آنان، موسیقی مدرن ایران جنبه تهاجم فرهنگی داشت و همه عوامل آن‌که قطعی یکی از آنها من و امثال من بودیم هم مهاجم فرهنگی فرض می‌شدیم. می‌شاید، امثال کاوه یا به‌زودی دست‌به‌کار نمی‌شدیم سونامی کبی کارهای غربی به‌صورت ضعیف و تهاجم



فرهنگی به معنای واقعی، آن هم در کمتر از یک دهه صورت می‌گرفت که به عقیده من، در حال‌حاضر شاهد آن در آثار تولیدی داخل هستیم. البته منظور من درصد زیادی از موسیقی پاپ و مدرن ایران است که خواسته یا ناخواسته از موسیقی خوب یا بد غربی، ترکی، عربی و... کپی‌برداری محض می‌شود.

۷ منظورتان از موسیقی پاپ اورجینال، مدرن و غربیکی چیست؟

یعنی آثاری که واجد ارزش‌های فرهنگی و هنری است و به همراه مدرنیته و درعین‌حال در نظرگرفتن بستر ملیت و قومیت خود، توان رقابت با موج عظیم تبلیغات و البته آثار قدرتمند بین‌المللی را به معنای واقعی داشته باشد. نبود موسیقی مدرن در کمتر از دو دهه و پس از آن شروع تولید موسیقی مدرن و پاپی که همچنان از نگاه من مصرف داخلی داشت و حتی در سه دهه گذشته یک نفر مخاطب بین‌المللی نداشته و بدتر از آن هدف از تولید این نوع موسیقی شاید هدف قراردادن موسیقی‌ای به نام موسیقی لس‌آنجلسی بود و نه رقابت جهانی با موسیقی قدر غربی و همه اینها من را بیش‌ازپیش به مهاجرتی طولانی برای برقراری ارتباطی مستقیم با موزیسین‌ها و مراکز مهم موسیقی مدرن و تحقیقات و تجربه در این زمینه سوق می‌داد.

یکی دیگر از این مشکلات، کنسرت‌های ضعیف داخلی با تعداد مخاطب کم که در مقایسه با مخاطب موسیقی پاپ بین‌المللی و آمار جمعیت ایران بودکه سوءمدیریت در این بخش را بیش‌ازپیش متبلور می‌کرد. خاطرم هست گاهی دلم‌نا خوش بود که فلان خواننده در بهترین حالت، ۱۴ شب در سال‌های نمایشگاه اجرای موفق دارد، با کمی دقت متوجه می‌شویم کل مخاطب‌های این کنسرت حداکثر ۲۸ هزار نفر بوده و کافی است این تعداد را با جمعیت تهران در آن زمان مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم چه بی‌پروا چندین میلیون تهرانی با زبان بی‌زبانی به ما اعلام می‌کردند: «ما این نوع موسیقی مصرف داخلی را نمی‌خواهیم».

چون به اعتقاد من قوی‌ترین، قابل ارتباط‌ترین، دردمی‌ترین و پول‌سازترین موسیقی هر کشور موسیقی مدرن یا پاپ آن کشور است و اگر قرار بود سبک دیگری بار رقابت بین‌المللی موسیقی را به دوش بکشد، قاعدتاً پس از ۳۸ سال حمایت از سبک‌های دیگر و بی‌توجهی به موسیقی مدرن ایران باید به نتیجه می‌رسیدیم که این چنین نشد، آیا زمان تصمیم‌گیری متفاوتی فرا نرسیده!

از کودکی فقر دانش موسیقی مدرن در ایران و مشکلات پیرامون صنعت منهدم موسیقی من را آزار می‌داد. این مشکلات از نگاه مسئولان وقت فرهنگی آن زمان یا دیده نمی‌شد یا اگر هم به فرض محال احساس می‌شد، به دلیل جاافتادن نادرست مسئله تهاجم فرهنگی علیه هنرمندانی مثل من، به‌سادگی از نگاه آنان، موسیقی مدرن ایران جنبه تهاجم فرهنگی داشت

دیگری، می‌رسیدیم که این چنین نشد، آیا زمان تصمیم‌گیری متفاوتی فرا نرسیده! بر فرض محال، اگر در همان دوران یکی از گروه‌های درجه‌دو ترکیه به تهران می‌آمدند و موفق به اجرای کنسرت می‌شدند، جایی برای موسیقی مدرن یا پاپ ایرانی باقی نمی‌ماند. البته سؤال‌های دیگری برای من جنبه جدی‌تری پیدا می‌کرد. سؤال‌هایی مثل چرا هیچ موفقیت بازاری در زمینه موسیقی مدرن ایران، در سطح جهانی مانند موفقیت‌هایی که برای سینما و حتی ورزش اتفاق می‌افتد، صورت نمی‌گیرد؟ چرا هر سال بیشتر از سال‌های گذشته موسیقی مدرن و پاپ ایران دارای مشکلات کبی و فقر دانش تنظیم موسیقی است؟ تا حدی که به فاصله چند ساعت پس از پخش یک آلبوم موسیقی در ایران، حتی منتقد‌های آماتور موسیقی در فضای مجازی اصل آهنگ‌های کبی‌شده غربی با ترکی و... را پیدا کرده و آپرویزی و شرم تنها چیزی است که برای صاحب اثر و مخاطب موسیقی ایرانی باقی می‌ماند. از شما چه پنهان، این سؤال‌ها امروز سؤال‌های من و همه هست و امیدوارم در جهت حل این مشکلات به نوبه خود در آلبوم منشور و پس از این مفید باشم.

۷ پس از اجرائی که قرار بود در جشنواره داشته باشید و به دلایلی لغو شد، تمرین‌ها ادامه پیدا کرد؟

بیش از یک ماه است که تمرینات را آغاز کرده‌ایم. هنوز وضعیت مجوز کنسرت مشخص نبود اما به دلیل وسواس کاری‌ای که همیشه داشتم تمرین‌ها را شروع کردیم. واقعاً یکی از سخت‌ترین کارها این است که بلاکلیف به تمرین ادامه



دهید، چراکه درنهایت مردم کاری به مشکلات شما ندارند و کاری با کیفیت و ارزش هنری می‌خواهند. به عقیده من، ما هنرمندا برای مردم معیار و مقیاس می‌سازیم و اگر این کار را درست انجام دهیم، وظیفه خودمان را انجام داده‌ایم. اگر ما دست‌روی‌دست بگذاریم تا تکلیف مجوز با مشکلات دیگر روشن شود و مدت‌زمان اندک بخواهیم به برنامه برسیم، قطعاً روش درستی نخواهد بود.

۷ گروه نسبت به جشنواره تغییر کرده است؟

بله، در زمان جشنواره ما سرعت کاری بالایی داشتیم و باید در ۱۵ روز تصمیم می‌گرفتم؛ زمان کوتاه بود و بسیاری از همکارانم درگیر بودند. به‌هرحال، تغییرات کوچکی به وجود آمده که «آرین کشیشی» جای خود را به «بابک ریاحی‌پور» داده است. آرین از بهترین موزیسین‌ها و نوازنده بسیار توانمندی است. من سال‌ها با بابک کار کرده‌ام و حتی نیاز به حرف‌زدن نداریم، با نگاه هم می‌توانیم هماهنگ شویم. در زمان جشنواره بابک گرفتار بود. تغییر عمده‌ای در کار نیست.

۷ پس از بازشدن فضای موسیقی در نیمه دوم دهه ۷۰، شما و چند نفر دیگر تبدیل به مهم‌ترین‌ها در موسیقی پاپ شدید. حالا از آن نسل چیز زیادی برجای نمانده است، شما هم مدت زیادی توانستید کار کنید. حالا شرایط را برای موسیقی پاپ و خودتان چگونه می‌بینید؟

قطعا من هیچ‌گاه در موزیک بهترین یا مهم‌ترین نبودم و نخواهم بود، اما هم‌نسل‌های من همچنان به فعالیت خود با وجود مشکلات فراوان ادامه می‌دهند و امیدوارم بتوانیم تجربه خوبی برای نسل آینده باشیم. از هم‌نسل‌های خود همچنان سیاست‌گزارم و لازم می‌دانم نام تعدادی از آنان را که برای موسیقی ایران زحمات زیادی تا به امروز کشیده‌اند، بیاورم؛ زنده‌یاد شاهرخ پورماین، نیلوفر فرزندهشاد، پیمان یزدانیان، بابک ریاحی‌پور، بابک امینی، فواد حجازی، بهنام ابطجی، آریا عظیمی‌نژاد، رضا عسگرزاده، کریستف رضاعی، رامین پنهان، شهرام شغریاف، شاهرخ ایزدخواه، کامیل یغمایی و ده‌ها همکار عزیز دیگرم.

۷ شما چه راهی برای خودتان انتخاب کردید که در این چرخه گیر نکنید؟ به عقیده من، دو عامل می‌تواند به بدترین وجه هدف هنری را تخریب کند؛ زمان و پول!!!

عجله یا بیزیرکرد در ارائه اثر هنری و البته تغییر مسیر هدف هنری به خاطر پول، خطرناک‌ترین عوامل در تولید آثار هنری هستند.

۷ با توجه به اینکه در این سال‌ها فعالیت رسمی نداشتید و روی صحنه هم نرفتید، پس از آلبوم «سکوت سرد» چطور ارتباطتان را با مخاطب حفظ کردید؟

به اعتقاد من، ارتباط هنرمند با مخاطب و مردم قطع نمی‌شود و اگر این‌گونه بود اصلاً به‌وهوی وجود نداشت. اگر فکر کنیم کسی که فعالیتش متوقف می‌شود ارتباطش هم قطع شده، اشتباه است. شاید آرتیستی فوت شده باشد و مخاطبی در فیس‌بوک و اینستاگرام نداشته باشد، اما طرفدار میلیونی داشته باشد و حتی برعکس. آثار هنرمند است که این ارتباط را می‌سازد.

۷ از زمان آلبوم «سکوت سرد» تا امروز که منشور را منتشر کردید، سلیقه مخاطب چه تغییراتی کرده است؟

سلیقه مخاطب مقوله نسبی است. کسانی که به موسیقی امروز ایران گوش می‌کنند قطعاً چنین موسیقی باب طبعشان است، اما نکته اینجاست که همیشه مخاطب خاموشی هم وجود دارد. پیش از اینکه «سیروان خسروی» شروع به کار کند با بعضی متخصصان که صحبت می‌کردم، پرايشان سؤال بود که چرا این موسیقی را تولید می‌کنید؟ آن زمان اکثریت نظرشان این بود که صدای خواننده باید دارای تحریر آن هم تحریرهای معمول محلی یا تن صدا باید آن چیزی باشد که آنان می‌پسندند یا مثلاً خواننده باید بلند بخواند، اتفاقاتی که در مسابقات خوانندگی امروز هم شاهد آنها هستیم اما پس از انتشار اولین آلبوم سیروان روشن شد در ایران هم مخاطب خاموش وجود دارد همچنان که امروز این مخاطب وجود دارد و در انتظار آثاری هنری و مدرن هستند. این مخاطبان از طریق اینترنت به موسیقی سطح بالای بین‌المللی گوش می‌دهند و سلیقه خوبی دارند اما برای مخاطب چه کاری کردیم؟ آیا آثاری تولید کردیم که بگویم یک رنگ جدید به مادرنگی موزیک ایران اضافه کردیم؟ اگر از طرف موزیسین‌ها که من هم کوچک‌ترین عضوشان هستم چنین اتفاقی افتاده بود، قطعاً از طرف مخاطب هم پذیرفته می‌شد و همراهی می‌کرد. درعالم اگر حس می‌کنید سطح سلیقه پیشرفت نکرده یا حتی افت کرده، این مشکل از جانب ما موزیسین‌هاست.

ادامه در صفحه ۱۴

موسیقی

سه‌شنبه • ۲۶ مرداد ۱۳۹۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۵۷ • ۹

شرق روزنامه

آونگ

یکی از آرشیه‌های باارزش موسیقی پیدا شد

موسیقی ایرانیان: بزرگ‌ترین آرشیه موسیقی ایران در شهرری در حال نگهداری است، شهری که از قدیم‌الایام مهد هنرمندان و هنردوستان تهرانی بوده و بسیاری از هنرمندان تهران که از اسم و رسم پرافتخاری برخوردارند، مدت‌ها در شهرری ساکن بوده‌اند. در اکثر آثار موسیقی قدیم ایرانی نام یک هنرمند از شهرری دیده می‌شود، هنرمندانی چون فرهنگ شریف، رضا منفرد، محسن حسن‌زاده، قاسم غلامعلی، محمد شریفی، جمال جهانشاد، قاسم علوی و بسیاری از نوازندگان چیره‌دست سازهای ایرانی از این منطقه باستانی از تهران سربر آورده و شهره آفاق شده‌اند. این‌بار پس از حدود ۴۰ سال، آرشیه کمشده موسیقی ایران شامل کامل‌ترین برنامه گله‌ا، تک‌نوازان و بزم شاعران و برنامه‌های طنز و شاد و شما و رادیو با حضور استادان برجسته موسیقی کشور و تعداد بسیار زیادی از تصنیف‌ها و ترانه‌های ناشنیده اعم از سنتی و پاپ و کوچه‌بازاری و بسیاری از قطعات مذهبی آیینی ضبط‌شده در دهه ۴۰ تا ۵۰ به همت «علی دولو» در شهرری جمع‌آوری شده است.

حسین خواجه‌امیری (ایرج) ضمن تشکر از «علی دولو» درباره جمع‌آوری این آرشیه به خبرنگار «موسیقی ایرانیان» می‌گوید: «در روزگاری که هنرمندان ایرانی به موسیقی غربی رو آوردند و ازبین‌رفتن آثار قدیمی خم به ابروی خیلی از انسان‌ها نمی‌آورد، هنرمندی از دیاری که در جنوب تهران است، فرهنگ و هنر این کشور را زنده نگه داشته است. شهرری هنرمندان پراوازه‌ای در خود جای داده، در زمینه آواز ایرانی نیز استاد فرزین ذوالقدر مدتی است که نسبت به حفظ فرهنگ و تمدن ایرانی اهتمام ورزیده، به نظرم بازتاب و بازخورد جمع‌آوری این آرشیه در اذهان عمومی و بالاخص در ورطه جاودانگی مؤثر خواهد بود.»علی دولو (نوازنده و پژوهشگر موسیقی) که مالکیت این آرشیه را به عهده دارد و خود نیز با وجود سن‌وسال کم سابقه طولانی در زمینه نوازندگی سازهای کوبه‌ای در رادیو و تلویزیون ایران دارد، در این‌باره می‌گوید: «چرا مردم ایران فکر می‌کنند موسیقی ایرانی فقط برنامه گله‌است، این برنامه گله‌ایی که در اختیار مردم است هیچ هویتی از ایرانیان به معرض نمایش نمی‌گذارد، چراکه کلاً ناقص ارائه شده، وقتی که برنامه ۳۰ دقیقه‌ای گله‌ا تبدیل به ۲۷ دقیقه می‌شود یعنی دور ضبط تند بوده و این خود مشکلاتی را در کام آهنگ و صدای خواننده به وجود می‌آورد و برعکس وقتی یک برنامه ۳۰ دقیقه‌ای به ۳۲ دقیقه افزایش پیدا می‌کند، باز هم مشکلات را برای آن اجرای استادانه و کم‌تظیر به وجود می‌آورد. بعضی آثار ضبط‌شده در گله‌ا بی‌هویت هستند چراکه نوازنده‌ها و خواننده ناشناس قلمداد شده‌اند، ولی به حق این‌گونه نیست، برنامه‌هایی مانند تک‌نوازان، گله‌ای جاویدان، گله‌ای صحرایی، برگ سبز و... فقط بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه دهه گذشته تکراری بوده و اصل بخشی از موسیقی و فرهنگ ما را به نمایش می‌گذارند ولی اگر با دقت به این مقوله نگاه کنیم متوجه آثار زیبای آیینی و روحوی انواع سیاه‌بازی و موسیقی فولکلور و حتی تعداد زیادی از آثار کوچه‌بازاری می‌شویم که کسانی اجرا کرده‌اند که طرفداران بسیار زیادی را در زمان خود داشته‌اند.» او در ادامه می‌گوید: «با اندکی دقت در این آرشیه متوجه می‌شوید حدود ۸۰ درصد آهنگ‌های اجرا شده توسط خوانندگان در سه ده